



نامه استعفای بنا به فدراسیون کشتی رسید

تلاش برای منصرف کردن «آقای خاص»

گروه ورزش: «محمد بنا» رسماً از تیم ملی کشتی فرنگی کناره‌گیری کرد. او این بار آب پاکی را روی دست فدراسیونی‌ها ریخت. معمار نسل طلایی کشتی فرنگی ایران که بعد از بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن اردو را در اعتراض به بی‌توجهی به این رشته و نبود امکانات...

صفحه ۱۳

سه‌شنبه ۱۹ دی ۱۳۹۱ - ۲۵ صفر ۱۴۳۴ - ۸ ژانویه ۲۰۱۳

سیاست

هوشنگ امیراحمدی در گفت‌وگو با «شرق»:

ارتباطی با احمدی‌نژاد و مشایی نداشتم

صفحه ۸



کافه نظر

نقد طرح حذف زندان برای روزنامه‌نگاران

بهروز بهزادی
بهروز گرانی‌په
عباس عبدی
علی اکبر قاضی‌زاده

صفحه آخر

حرف اول

نرخ غیر واقعی

محمد عطار دبیان

دبیرکل کانون عالی انجمن صنفی کارفرمایان



اخبار و گزارش‌هایی در خصوص تلاش برخی تشکل‌های کارگری برای افزایش نرخ دستمزد کارگران در بودجه سال آینده به بیش از یک میلیون تومان، در برخی رسانه‌ها و سایت‌ها منتشر شده که جای تأمل دارد. در اینکه این آرقام به طور قطع باید در شورای‌عالی کارواشتغال و دولت و مجلس مطرح شود و همه جوانب آن سنجیده شود تردیدی نیست؛ اما طرح این موضوع به این شکل در سطح رسانه‌ها، قابل پذیرش نیست و ممکن است انتظارات را به شکل غیرواقعی افزایش دهد. بارها گفته شده که دستمزد کارگران ما به نسبت زحمت و تلاش آنها ناچیز است اما آیا کارفرمایان در حال حاضر، توان پرداخت این رقم و حتی ارقلی کمتر از این را دارند؟ وضعیت اقتصاد کشور به گونه‌ای است که عمده تولیدکنندگان و کارفرمایان، در پرداخت همین دستمزد هم مانده‌اند مشکلات تولید پس از هدفمندی یارانه‌ها، به کرات بیان شده است. رئیس گروه ما در شورای‌عالی کار، در این خصوص بحث‌های لازم را مطرح کرده و نمایندگان کانون، در آنجا حاضرند. نگارنده نیز عضو شورای‌عالی اشتغال است که یکی از زیرساخت‌های تولید در کشور را تشکیل می‌دهد. پس از هدفمندی، حوزه تولید دچار مشکلاتی شد و تأمین نقدینگی به عنوان نیاز فوری مجموعه‌ها، با معضل مواجه است. این در حالی است که برای دریافت یارانه ۰٫۸ درصدی بخش تولید، بارها اقدام شده اما دولت به دادن «وعده»، بسنده کرده است. حتی دولت که بزرگ‌ترین کارفرماست، به دلیل بدهی به بخش تولیدی، توان افزایش دستمزد را ندارد. تکلیف بخش خصوصی هم روشن است. در یک نظام اقتصادی، کارگر، کارفرما و مصرف‌کننده همه باید ذینفع باشند اما اقتصاد فعلی کشور، اجازه فعالیت بیشتری را نمی‌دهد. اما با این دستمزد کم چه باید کرد؟ دولت، طلب‌های زیادی به بخش خصوصی دارد و توجه به این مساله ضروری است که ممکن است توافق حدود ۲۰ درصدی برای افزایش دستمزد کارگران در سال آینده دیده شود اما این هم هنوز رسمی نیست. بخشی از تأمین همین افزایش ۲۰ درصدی دستمزد، باید از طریق افزایش قیمت محصولات تأمین شود و البته لازم به یادآوری نیست که مردم، کشتش همین قیمت‌های فعلی را نیز ندارند. این مشکلات ناشی از بیماری اقتصاد است و همه اذعان دارند و نه کارگر و کارفرما مقصر این شرایط نیستند. اختصاص همه منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها و حتی بیش از آن به پرداخت نقدی خانوارها، فضای تولید را با تنگناهای بی‌شماری مواجه کرده است و در آمد آنها، تلفگوی هزینه‌ها را نمی‌دهد.



رئیس مجلس اعلام کرد

ردپای افراد ذی‌نفوذ در جرایم اقتصادی

گروه سیاسی: مبارزه با مفاسد اقتصادی دیگر به واژه‌ای تکراری بدل شده که با هر بار به وجود آمدن «فسادی» در کشور سخن مبارزه با آن اوج گرفته؛ مسوولان و جامعه را برای مبارزه با این معضل عظیم به تکاپو وای دارد اما در عمل، موانعی هم وجود دارد که امکان...

صفحه ۳

سال دهم - شماره ۱۶۴۳ - ۱۶ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

سرمقاله

«یارانه» و انتخابات

داوود محمدی



توقف یا تداوم اجرای یارانه هدفمندبه نقطه چالش‌برانگیز مجلس و دولت تبدیل شده است. آنگونه که دولتمردان اعلام کرده‌اند اجرای فاز دوم یارانه هدفمند وارد مرحله «نهایی» شده است؛ این در حالی است که بخشی از افکار عمومی، اقتصاددانان و مجلسی‌ها، نه تنها مخالفت خود را با ادامه اجرای طرح یارانه هدفمند اعلام کرده‌اند؛ بلکه فراتر از آن هشدار می‌دهند، تبدیل عزم دولت از «قوه» به «فعل»، پیامدهای ناخوشایند و شاید غیرقابل کنترلی بر جای گذارد. مستند منتقدان، آمار شاخص‌های اصلی کشور همانند نرخ تورم، بیکاری، تولید، واردات، رشد و... است که حتی روایت دولتی این آمارها، وضعیت مطلوبی را ترسیم نمی‌کنند و این همان نکته‌ای بود که پیش از آغاز اجرای فاز اول یارانه هدفمند، کارشناسان آن را پیش‌بینی کرده و علت اصلی را در روش اجرای غیرکارشناسی طرح، ریشه‌یابی می‌کردند. هر چند این زنگ‌خطرها مورد توجه دولتمردان قرار نگرفت اما ملموس شدن نتایج اجرای فاز اول در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی؛ کار را به جایی رسانده که بسیاری از مدافعان دولت در عملیاتی کردن فاز اول یارانه هدفمند؛ اکنون به اردوگاه منتقدان پروپاقرص پیوسته‌اند. دولت نیز هرچند، مطابق رویه همیشگی‌اش از کارنامه خود در این زمینه هم دفاع می‌کند اما فشار واقعیات تا حدی است که در برخی موارد، جز تأیید بعضی از نتایج منفی اجرای یارانه هدفمند چاره‌ای نمی‌یابد؛ البته، این ادعان‌های دولتمردان بلافاصله با جمله تکمیلی «می‌گذارد» همراه می‌شود. حال سوال این است؛ در شرایطی که دولت، کارنامه قابل قبولی در فاز اول اجرای یارانه هدفمند از خود برجای نگذاشته، چه صرازی برای زدن استرات فاز دوم دارد و یا چه انگیزی پذیرفته، هزینه سیاسی سنگین بافشاری یارانه‌ای خوش را بپردازد؟ واشکافی پاسخ به این سوال از زوایای گوناگونی امکان‌پذیر است اما یکی از متغیرهای اصلی در واشکافی دلیل این ابرام را باید در مقوله «تخت‌لخت» جست‌وجو کرد. از این زاویه، مشخص است که شخص احمدی‌نژاد به دلایل قانونی، امکان نامزدی مجدد انتخاباتی را ندارد اما این نکته نیز محرز است که وی و حامیانش برنامه گسترده‌ای برای انتخابات دارند و درصد هستند فرد مورد حمایتی را روانه کارزار انتخابات دارند و کنند تا با تسخیر قوه مجریه، جای خود را در عرصه سیاست ایران محکم‌تر کنند. با توجه به کارنامه دولت نهم و به ویژه دهم، معلوم نیست ضرب‌الطیمن رای‌آوری نامزد منتخب دولتمردان کنونی، چندان بالا باشد. بنا بر این ایجاد جذابیت‌های جدید نزد رای‌دهندگان در دستور کار دولت قرار گرفته و شعارهایی نظیر «افزایش پرداخت یارانه به ۲۰۰ هزار تومان برای هر ایرانی» به نقطه نقل «کمپین» دولتی‌ها مبدل شده است. فرضیه بنیادین این تفکر آن است که در وضعیتی که مردم تحت فشار گرانی هستند؛ وعده‌هایی برای افزایش جیبی رقم یارانه درافتی، می‌تواند آنان را امیدوار کند که وضعیت معاش خود را سروسامانی دهند و راه دستیابی به شگشای معیشتی خویش را در رای دادن به نامزد مورد حمایت نمایان چنین وعده‌های جست‌وجو خواهند کرد. شاید به نظر برسد که اغلب افراد «گروه هدف» آنان به دلیل تجربه ترومی اجرای فاز اول یارانه هدفمند و پیشی‌گرفتن هزینه زندگی از یارانه دریافتی، از ایده جیش رقم یارانه استقبالی نکنند و نگران تکرار ناامخوانی دخل و خرجشان باشند، ولی از منظر طراحان این منظر، اغلب رای‌دهندگان یا به تاثیر افزایش یارانه بر گرانی، آگاهی ندارند یا در صورت وقوف به این مساله باز هم ترجیح خواهند داد گزینه دریافت یارانه نقدی چهشی را انتخاب کنند و امیدوار باشند که در فاز دوم، قدرت خریدشان؛ مقهور گرانی نشود. انگاره دیگر حامیان افزایش چند برابری یارانه نقدی آن است که سطح گرانی در شهرهای بزرگ از سویی و شهرهای کوچک و روستاها از دگر سو، یکسان نیست. به این معنا که ساکنان کلان شهرها، تحت تأثیر سبک زندگی خود، انتظارات بیشتری از رفاه خود دارند و همین مطالبات موجب می‌شود آنان برای تحقق زندگی مطلوب‌شان مبلغ بیشتری هزینه کنند و در نتیجه، هم در ایجاد فشار ترومی سهیم می‌شوند و هم از پیامدهای آن متاثر و ناراضی. اما ساکنان شهرهای کوچک‌تر و به ویژه روستائیشیان، سطح مطالبات‌شان از زندگی دلخواه؛ پایین‌تر است و مبالغ دریافتی از محل یارانه نقدی، اگر با افزایش چشمگیر هم همراه باشد، نه تنها کفاف گذران معیشت‌شان را می‌دهد؛ بلکه امکان پس‌انداز‌شان را نیز فراهم می‌کند. استنتاج «تخت‌لختی» این صوری و کبرای «اقتصادی» اجتماعی» آن است که با شعارهایی از جنس یارانه ۲۰۰ هزار تومانی و نیز امیدواری به کاهش انگیزه بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان (که خاستگاه اغلب‌شان طبقات متوسط و بالا هستند) پیروزی نامزد مورد حمایت دولت بر نامزد یاران‌زده‌های اصولگرا، رقم خواهد خورد.

ادامه در صفحه ۳

«کلهر» از اجراهایش در ۱۵ شهر جهان می‌گوید

از «واشنگتن» تا «استانبول» میزبان «کیهان»

صفحه ۱۱



عباس کوشوری، شرق

یادداشت

داستان ما و استاد «بنا»



علیرضا دبیر
عضو هیات‌رییسه
شورای اسلامی شهر تهران

بزرگ را از سرراهش برداشته و کارش را به روال بیندازد. خلاصه‌ام، همه چیز مروهون تمام آن چیزی بوده که به مدد اادر و هنر فردیش حاصل می‌شده. از همه جالب‌تر آنکه قیچی‌کردن روپان افتتاح این عمارت زیبا و دل‌انگیز را هم به او نسپرده‌اند. به محض اتمام یافتن عملیات ساخت، انواع مدیران و مسوولان در صف نخست ایستاده و رسیدن به چنین نقطه‌ای را مروهون برنامه‌ریزی‌های دقیق و حمایت‌های بی‌نظیرشان توصیف کرده‌اند. همان مدیرانی که با فروکش کردن تب و تاب ساختن این عمارت، حالا آرزوی بریدن روپان عملانی بزرگ‌تر و مجلل‌تر را در سر دارند و از این «بنای هنرمند» می‌خواهند کارگزارش را گرد هم آورده و طرحی نو دراندازد. بنایی که برای خالی نبودن عریضه یک دویاری برایش کف و سوت زده‌اند و چند کلامی درباره هنرش سخن رانده بودند. «بنا» اما شغلش بنایی است، اصلاً کدام استاد بنا را می‌شناسید که دوست نداشته باشد در فصل کار، کاری جدید دست و پا کرده و دوری بره‌ایش را مشغول نسازد. این «محمد بنا» اما با تمام استاد‌بناهایی که ما می‌شناسیم یک تفاوت عمده دارد. به هزار زبان می‌گوید که نمی‌خواهد کمتر از عمارت قبلی برپا سازد، شبیه آن عمارت را دوباره ساختن هم که دیگر حلاوتی نخواهد داشت. می‌گوید آرزوش پدید آوردن اثری بلند مرتبه‌تر، زیباتر و مستحکم‌تر است و بر همین اساس است که تصمیم گرفته فریب «وعده» را نخورد و عنوان و سمت و نشان اغوایش نکند. پشتیبانی کامل می‌خواهد، عمل به قول طلب می‌کند، حالا که تمام آبرو و اعتبارش را به میان آورده، کف و سوت و هورا احتیاج ندارد. پس اینکه فلان کشور همسایه دستیارش را به قیمتی بالاتر به آوردی خود می‌برد، یا بهمان ورزشکار تربیت شده‌اش به خاطر مشکل مالی لیبس رقیب به تن می‌کند و هزار دلیل و برهان دیگر؛ آزارش می‌دهد. استاد بنای کشتی فرنگی ما، همین‌ها که تصویر کرده‌ایم را تاب نیاورده است و ترجیح می‌دهد بیکار بگردد و اما آن خاطره خوش که برای خودش و مرمش ساخته را خراب نکند.

«محمد بنا» یک نمونه از هزاران است. یکی از خیل پرشمار آنها که فقط وقتی برایمان افتخار می‌آفرینند، خاطرشان را می‌خواستیم، یکی از آنها که می‌سوزانیم‌شان و نمی‌دانیم که در مدیریت اگر هر چیز را بسوزانیم و از میان ببریم جایگزینی دارد، جز «استاد بنا».

افزایش دریافتی «یک میلیون و صد هزار تومانی»؛ وعده یا طرح؟

پیشنهاد «یارانه مزد» کارگری

گروه اقتصاد: برخی نمایندگان کارگری از ارایه طرحی برای بررسی در شورای‌عالی کار خیر داده‌اند که در صورت تصویب، کارگران در کنار حقوق‌شان، یارانه مزد یک‌میلیون و صد هزار تومانی هم دریافت کنند. با فرض نهایی‌شدن این پیشنهاد، پرداختی ماهانه کارگران گزینه تازه‌ای به نام «یارانه دستمزد» را تجربه خواهد کرد. زیرا بر اساس این طرح پیشنهادی؛ برای نخستین بار مابه‌التفاوت توان پرداخت کارفرمایان و فاصله آن با مزد واقعی باید از سوی دولت و در قالب «یارانه» پرداخت شود. یارانه‌ای که با رقم‌های اعلام شده از اصل حقوق کارگران بیشتر است. این در حالی است که طی دوسال گذشته که هدفمندی یارانه‌ها اجرایی شده افزایش دستمزد کارگران رشد چندان متناسبی با تورم موجود در کشور نیافت. به طوری که جامعه کارگری از نظر نوع و سبک زندگی و سطح رفاه دچار مشکل شد و اتفاقاً دولت، از مخلفان افزایش سطح دستمزد‌ها بود. این پیشنهاد درست در روزهایی اعلام می‌شود که دولت قصد اجرایی کردن فاز دوم یارانه هدفمند را دارد. یارانه دستمزد، برای جامعه ۱۰ میلیونی کارگری در واقع به این معناست که دولت باید ماهانه هزار و صد میلیارد تومان به عنوان یارانه دستمزد به کارگران پرداخت کند. البته گفته شده است که کارفرمایان نیز قرار است بخشی از این رقم را متقبل شوند اما با توجه به اینکه تولیدکنندگان سهم یارانه‌ای خود را دریافت نکرده‌اند و وضعیت تولید نیز، روزگار خوشی ندارد؛ معین می‌نماید که کارفرمایان توان مشارکت در این امر را داشته باشند. از سوی دیگر، «حسن صادقی» معاون دبیر کل «خانه کارگر» درباره احتمال پرداخت یارانه مزد به کارگران توسط دولت به «شرق» می‌گوید: «در شرایط کنونی وضعیت تولیدکنندگان نامناسب است و ۵۰ درصد کارگران شهرک‌های صنعتی یک سال گذشته اخراج شده‌اند. دولت به جای آنکه به کارگران کمک مالی کند تا سطح دستمزد‌ها واقعی شود، بهتر است یارانه تولید از هدفمندی را بپردازد تا تولید از مدار اصلی تأثیر گذاری در جامعه خارج نشود.» صادقی انتشار خبر «یارانه مزد» را «تعجب‌برانگیز» دانسته و می‌افزاید: «مشخص نیست الگوی پرداخت این یارانه دستمزد چگونه است؟» وی می‌افزاید: «از نظر ما مساله کارگری افزایش دستمزد به این معنا نیست بلکه باید تولید رونق داشته باشد تا کارگر به مانند سنوات گذشته از حقوق بهره‌وری برخوردار شود و متناسب با سطح تورم جامعه؛ حقوق دریافت کند.» از نظر صادقی این طرح‌ها «کاملاً سیاسی / انتخاباتی و تورم‌زاست».

گزارش صفحه ۴ را بخوانید.

یادداشت

جداول استخدام ۵۰۰ هزار نفر



محمد رضا فیا
نماینده ادوار مجلس

بخش فروش بلیت‌های شرکت رجا، مجدداً به دولت بازگردد و علاوه بر آن، روسای قطارها نیز حکم انتصاب خود را از طریق دولت دریافت کنند. همچنین در خصوص برآمدهای گرم‌کری، در این زمینه به مسایلی اشاره شده است. ۲) آنچه در وهله نخست از این مصوبات برداشت می‌شود، استخدام حداکثر ۵۰۰ هزار نفر از افرادی هستند که به نحوی از انحاء با دستگاه اجرایی ارتباط دارند و حالا به‌رغم همه محدودیتی که در استخدام دولتی در قانون برنامه پنجم توسعه دیده شده، تصمیم به استخدام آنها گرفته شده است. مشخص است که لاول دولت دارای سقف استخدام است و همه استخدام‌ها منوط بر این است که در بودجه سالانه، اعتبار آن دیده شود و این در حالی است که در بودجه ۹۱ چنین موضوعی لحاظ نشد و معلوم نیست و از آن تبعیت کنند و این مصوبه را کان لم یکن تلقی کنند. پس از انتشار در روزنامه رسمی، همه دستگاه‌ها موظفند از این تبعیت کنند و این مصوبه را کان لم یکن تلقی کنند. مصوبه دوم دولت این بود که اختیاراتی که در تهران به آقای بقای اعطا کرده بود، در سطح کشور به استانداران داده است. البته تعداد استخدام در این مصوبه دوم نیست اما در کارگروهی که در دولت دانشتند و بر اساس جدولی که تنظیم کردند، حدود ۴۸۰ تا ۵۰۰ هزار نفر را شامل می‌شود که اینها را بدون توجه به قانون، ضوابط و شرایط استخدامی، استخدام کنند. من در گفت‌وگوی خود با یکی از خبرگزاری‌ها نیز به این نکته اشاره کردم که این به معنای به هم ریختن همه نظامات اداری در کشور است و به نظر می‌رسد، دستگاه اجرایی می‌خواهد همه کسانی که در طول این هفت سال و نیم در استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و نهاد ریاست‌جمهوری با شیوه‌های غیراستخدامی به کار گرفته و به آنها حقوق و مزایا پرداخت کرده است را به طور رسمی به استخدام دولت در آورد. مصوبه دوم، یک ضمیمه هم دارد که حدود ۸۰ صفحه است که مطالعه آن، تعجب زیادی را بر می‌انگیزد که بر چه اساسی، دست به این اقدام می‌زند؟ هر فردی که مقداری نگاه کامیتی و شناخت از اسلام حکومتی داشته باشد حاضر نخواهد بود چنین طرحی را آماده کند و به آن رای هم بدهد و از آن دفاع کند. این ضمیمه به همه چیز پرداخته است. به عنوان مثال در این ضمیمه، سرفصلی برای شرکت قطارهای مسافربری رجا ذکر شده اما این شرکت دولتی در قالب واگذاری، به بخش خصوصی واگذار شده است. در این ضمیمه آمده که

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۸۹۸۶۸۲۲
۸۸۹۸۶۸۲۱
۸۸۹۸۶۸۲۰



ال‌شرق
۸۸۹۸۶۸۳۸

sharghline@sharghdaily.ir

پیام کوتاه
۳۰۰۰۴۶۹۹

Shargh in English
www.sharghdaily.ir